

## ابزارهای ایران برای مقابله با طالبان



عبدالنصر نورزاد

کارشناس مسائل بین الملل

با آنکه بحران آبی میان جمهوری اسلامی ایران و طالبان، اهداف ژئوپلیتیک و سیاسی دارد و به آن منجر خواهد شد تا طرفین تصمیم نهایی خود را بگیرند و سیاه و سفید را از هم جدا کنند، اما احتمال یکسری اقدامات از جانب آنها را نباید از نظر انداخت. از جمله ابزارهای جمهوری اسلامی ایران در برابر طالبان این است که ایران با تشدید تنش با طالبان، فشار بر مهاجران افغانستانی را بیشتر خواهد ساخت. این کار ممکن است با اهرام اخراج مهاجرانی که بالغ بر هشت میلیون نفر می شود، وضعیت ناسامان سیاسی و بحران اقتصادی در امارت طالبان در افغانستان را بیشتر با خطرهای جدی قیام‌های مردمان گرسنه و فلاکت‌زده مواجه سازد. ایران این ابزار را دم نقد در اختیار دارد. دیگری اینکه، اگر چه اخیراً سفارت افغانستان در تهران به طالبان تسلیم داده شده و این کار با حمایت دولت ایران انجام شده، اما این امکان وجود دارد که با تشدید اختلاف‌ها میان طالبان و جمهوری اسلامی ایران، تهران برای فشار بیشتر بر طالبان، با مخالفان آنها رابطه برقرار کند و آنها را مورد حمایت سیاسی قرار دهد و سفارت را دوباره از طالبان بگیرد و به مخالفان تحویل دهد. این مسئله توسط رسانه‌های معتبر ایرانی نیز مطرح شده است. با این کار طالبان در درون افغانستان با چالش‌های جدی امنیتی و سیاسی در مقیاس بلند مواجه خواهند شد. از سوی دیگر ایران از چند دهه به این سو در افغانستان نفوذ نرم فرهنگی فوق‌العاده‌ای دارد و نسل‌هایی از سیاستگران افغانستان را پرورده است. این ابزار برای شرایط غیر عادی مانند وضعیت فعلی که رابطه میان ایران و طالبان، چندان خوب نیست، کارایی دارد. این کار باعث خواهد شد تا خطوط دشمنی سیاسی در برابر طالبان از جانب دوستداران ایران نیز، گسترش یابد. ایران چون در سال جاری بعد از نشست ماه ژوئن سازمان همکاری‌های شانگهای، عضویت کامل آن را به دست می‌گیرد، می‌تواند نظر سایر اعضای پر قدرت آن مانند چین و روسیه در مورد تعامل تاکتیکی و عملیاتی در برابر طالبان را تغییر دهد. اگر وضعیت به منوال کنونی ادامه یابد، احتمال کاهش حمایت‌های منطقه‌ای از طالبان نیز ویژه از جانب چین و روسیه وجود دارد و می‌تواند طالبان را در تنگنای بیشتر سیاسی و اقتصادی توام با فشارهای نظامی قرار دهد. از طرفی همانند استفاده از حلقه‌های سیاسی که در گذشته از حمایت تهران در داخل افغانستان برخوردار بوده‌اند، ایران به احتمال زیاد از لشکر فاطمیون و سایر حلقه‌های شیعه در برابر طالبان حمایت خواهد کرد. این کار باعث می‌شود تا طالبان علاوه بر جنگ در برابر جبهات مقاومت، در برابر فاطمیون و شیعه‌ها نیز بچنگند که به هیچ صورت به نفع طالبان نیست و این گروه را در مضیقه بیشتر امنیتی و جنگی قرار خواهد داد. در نهایت نیز تهران مترصد فرصت است تا تصمیم سایر اعضای شانگهای مانند روسیه و چین را در به رسمیت شناختن طالبان، تحلیل و ارزیابی کند. اگر این دو کشور قدرتمند شانگهای اقدام به شناسایی طالبان کنند، ایران به یقین کشور سومی خواهد بود. اما ادامه وضعیت بحرانی کنونی و تنش در روابط طالبان و ایران، این فرصت را محدود می‌سازد و ممکن است آن را به تعویق اندازد.

## خبر

مهر داد لاهوتی مطرح کرد:

## بررسی عملکرد دشمنانی در شورای عالی امنیت ملی

یک تحلیلگر مسائل سیاسی، درباره عملکرد ده ساله علی شمخانی در شورای عالی امنیت ملی اظهار داشت: مساله را قدری باید دقیق بررسی کنیم. اگر در مقام مقایسه بین آقای شمخانی با دبیرهای پیشین شورای عالی امنیت ملی هستیم می‌توانیم بگوییم که عملکرد آقای شمخانی نسبت به آقایان لاریجانی و روحانی ضعیف‌تر بود اما این ضعف عملکرد به خود آقای شمخانی بر نمی‌گشت، بلکه به اختیاراتی بر می‌گردد که در دوران آقایان لاریجانی و روحانی به شورای عالی امنیت ملی داده شده بود، اما در دوره آقای شمخانی اختیارات شورا محدود شده بود. من بدون هرگونه بحث جناحی و سیاسی می‌گویم که وقتی به صورت تخصصی عملکرد دبیرهای شورا را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم آقای لاریجانی زمانی که دبیر شورا بود، توانست منشأ اثرات مهمی باشد. آقای روحانی هم وقتی در این مسئولیت بود خوب عمل کرد. مهر داد لاهوتی گفت: به جز دوران شورای عالی امنیت ملی در دولت یازدهم و دوازدهم که مسئولیت مذاکرات هسته‌ای با وزارت خارجه و به ریاست آقای ظریف بود و حالا که مذاکرات در وزارت خارجه است، همیشه مذاکرات هسته‌ای در شورای عالی امنیت ملی دنبال می‌شد. حتی در دوره‌ای که آقای جلیلی دبیر شورا بود هم همین شرایط حاکم بود اما در زمان دولت آقای روحانی به دلیل اشرافی که خود او بر موضوع مذاکرات داشت، مسئولیت مذاکرات را به وزارت خارجه سپرد. فردی کار آشنا و با تجربه که در عرصه بین‌المللی هم چهره‌ای شناخته‌شده بود یعنی آقای ظریف را هم برای وزارت خارجه تعیین کرد تا کارها به بهترین شکل پیش برود. بنابراین در دوره‌ای که آقای شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی شد، موضوع مذاکرات منفک از این شورا شد. با این وصف باید آقای شمخانی را در حیطه اختیاراتی که داشت ارزیابی کرد. اگر به طور کلی بخواهیم مقایسه کنیم، بله نقش آفرینی او نسبت آقایان لاریجانی و روحانی کمتر بود اما اگر بخواهیم دقیق و منصفانه سخن بگوییم، باید بگوییم که ضعف عملکرد او نسبت به گذشته‌گان خود به دلیل محدودیت اختیاراتش بود. این نماینده مجلس شد بیان کرد: آقای شمخانی در حیطه وظایف و مسئولیت‌های خود خوب عمل کرد. مثلاً وقتی مسئولیت به نتیجه‌یافتن مذاکرات عربستان را به او سپردند، به نحو قابل قبولی وظیفه خود را انجام داد. وی تصریح کرد: من باور دارم نباید مذاکرات خیلی متوجه دولت‌ها کنیم؛ بلکه اراده حاکمیت در اینجا بیشتر اهمیت دارد بنابراین نمی‌توانیم بگوییم دولت‌ها تصمیم‌گیرنده نهایی در موضوع مذاکرات هستند».

## دکتر تقی آزادارمکی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## جامعه ایران جامعه کاروانسرای بوده است

مواجهه طولانی مدت با مدرنیته جامعه ایرانی را خسته کرده است

برخی مدیران در طول تاریخ «پهلوان پنبه» بوده‌اند

بی‌اعتنایی به سرما به‌های بزرگ پنهان جامعه چالش آفرین است

**آرمان ملی - احسان انصاری:** جامعه ایرانی در کجای تاریخ قرار گرفته و در چه مسیری در حال حرکت است؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوال با دکتر تقی آزادارمکی، جامعه‌شناس و پژوهشگر علوم اجتماعی گفت‌وگو کرده است. آزادارمکی معتقد است: «ایران به دلیل ساخت تمدنی و فرهنگی که تمدن ساز و تاریخ ساز بوده و به دلیل نوع استقرار ژئوپلیتیکی و جغرافیایی که در آن قرار داشته در چنین وضعیتی قرار گرفته که کانون منازعات بوده است. اغلب گروه‌هایی که وارد ایران شده‌اند توسط جامعه ایرانی انتخاب نشده‌اند و بی‌انتخاب وارد ایران شده‌اند. به همین دلیل نیز مناسبات را به هم زده‌اند. در نتیجه جامعه ایران یک جامعه یونیک است که هیچ نظام اجتماعی و سیاسی در جهان چنین وضعیتی نداشته است. با این وجود جامعه دارای قوت‌هایی بوده که به فروپاشی نینجامیده است. به عنوان مثال با حمله اسکندر و اعراب به ایران جامعه ایران فرو نمی‌پاشد. در ماجرای حمله مغول‌ها به ایران نیز وضعیت به همین شکل است. جامعه ایران دارای سرمایه‌های بزرگ پنهان است که بی‌اعتنایی به این سرمایه‌های بزرگ است که برای جامعه چالش ایجاد می‌کند... در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

**چرا تعارض‌ها و شکاف‌های اجتماعی در جامعه ایران روی هم بار شده و امروز با وضعیتی مواجه هستیم که جامعه با چالش‌های مختلف مواجه است؟**

**این مسأله به چه میزان ریشه تاریخی دارد و به چه میزان به نوع سیاست‌گذاری‌های مدیریت بازمی‌گردد؟**

به تعبیر صادق هدایت ایران سرزمینی در گذر حوادث بوده است و به همین دلیل از جامعه کاروانسرای درباره ایران یاد می‌کند و معتقد است وضعیت ایران از نظر تاریخی مانند کاروانسرای بوده که هر کسی در آن رفت و آمد کرده است. این سخن مهمی است که ایران از دوران گذشته تا نزدیک به دوران معاصر با یک وضعیت کاروانسرای مواجه بوده است. جامعه کاروانسرای به معنای محلی برای اسکان موقت همه است. به همین دلیل در فرهنگ عامیانه همواره این سخن وجود داشته که «این گروه هم می‌روند» این سخن به تن نشست فکر و اندیشه جامعه ایرانی بازمی‌گردد. همین موضوع یک بی‌نظمی در نظام اجتماعی، فرهنگی و تاریخی ایران به وجود آورده است. اگر به تاریخ ایران دقت کنیم متوجه می‌شویم که همه حوادث جهان به شکلی در تاریخ ایران وجود دارد. اغلب گروه‌هایی که وارد ایران شده‌اند به اختیار خود آمده‌اند اما رفتن آنها به اختیار خودشان نبوده است. به عنوان مثال مغول‌ها وارد ایران شدند اما به راحتی از ایران نرفتند و در فرهنگ ایرانی گم شدند. اعراب نیز وارد ایران شدند خرابی‌هایی زیادی هم به جا گذاشتند، اما به راحتی از سرزمین ایران نرفتند. اگر به دوران معاصر نیز توجه کنیم روس‌ها، امریکایی‌ها، انگلیس‌ها و... در مقابل بر فضای داخلی ایران سلطه پیدا کرده‌اند اما به راحتی و به اختیار خود ایران را ترک نکرده‌اند.

## مادوران طولانی رادر مواجهه با مدرنیته پشنت‌سز

گذاشته‌ایم که از دوران صفویه آغاز شده است.

برخی آن‌را متعلق به دوران پس از مشروطه می‌دانند

که من معتقدم دوران صفویه صحیح‌تر است.

مواجهه طولانی جامعه ایرانی با مدرنیته باعث خستگی جامعه شده است.

این در حالی است که به همه افراد اجازه داده‌ایم برای نجات بخشی و ارتقا در صحنه حضور پیدا کنند. در جریان مصدق عده‌ای از آمریکا دعوت کردند که جای انگلیس را بگیرد. این در حالی است که انگلیس همه تلاش خود را می‌کند که در ایران باقی بماند. این در حالی است که امریکایی‌ها نیز زمانی از جامعه ایران رفتند. رفتنی است که با تحقیر همراه بود که در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی تیلور پیدا کرد. این وضعیت نشان می‌دهد که جامعه ایرانی اگر هم گروهی را دعوت کرده پس از مدتی به دلیل عملکردی که مورد خواست جامعه نبوده آنها را دوباره بیرون و یا در خود مضمحل کرده است. به همین دلیل باید عنوان کرد که جامعه ایران یک جامعه ساده نیست که با امر و نهی یک گروهی به مسیر خود ادامه دهد. جامعه ایران نیازمند یک قدرت فرماندهی پیچیده در خدمت دارد.

## چرا این اتفاق در جامعه ایرانی رخ می‌دهد؟

واقعیت این است که یک سرمایه تاریخی، اجتماعی و یک انرژی در جامعه ایرانی وجود دارد که اجازه نمی‌دهد گروه‌هایی که وارد ایران می‌شوند به راحتی بیرون بروند. به همین دلیل آنها را تهی می‌کند و در نهایت آنها را بیرون می‌اندازد. نکته دیگر اینکه ما دوران طولانی را در مواجهه با مدرنیته پشت‌سر گذاشته‌ایم که از دوران صفویه آغاز شده است. برخی آن‌را متعلق به دوران پس از مشروطه می‌دانند که من معتقدم دوران صفویه صحیح‌تر است. مواجهه طولانی جامعه ایرانی با مدرنیته باعث خستگی جامعه شده است. این در حالی است که به همه افراد اجازه داده‌ایم برای نجات بخشی و ارتقا در صحنه حضور پیدا کنند. در جریان مصدق عده‌ای از آمریکا دعوت کردند که جای انگلیس را بگیرد. این در حالی است که انگلیس همه تلاش خود را می‌کند که در ایران باقی بماند. این در حالی است که امریکایی‌ها نیز زمانی از جامعه ایران رفتند. رفتنی است که با تحقیر همراه بود که در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی تیلور پیدا کرد. این وضعیت نشان می‌دهد که جامعه ایرانی اگر هم گروهی را دعوت کرده پس از مدتی به دلیل عملکردی که مورد خواست جامعه نبوده آنها را دوباره بیرون و یا در خود مضمحل کرده است. به همین دلیل باید عنوان کرد که جامعه ایران یک جامعه ساده نیست که با امر و نهی یک گروهی به مسیر خود ادامه دهد. جامعه ایران نیازمند یک قدرت فرماندهی پیچیده در خدمت دارد.

**برخی عنوان می‌کنند در منطقه خاورمیانه به دلیل فراز و نشیب‌های سیاسی حکومت‌های**

**اقتدار گرا کاربرد بهتری می‌توانند پیدا کنند. آیا سخن شما درباره قدرت فرماندهی پیچیده به همین معناست؟**

من به دنبال احیای استبداد و دیکتاتوری نیستم و بلکه معتقدم قدرت این حکومت باید در تکرر و گوناگونی اجتماعی باشد. این قدرت به معنای بی‌اعتنایی به مسائل اجتماعی نیست. در جامعه ایران که همه در آن قرار دارند هیچ‌کس حاکم اصلی نیست. جامعه ایران نیازمند یک قدرت است که قدرت خود را از تکرر اجتماعی گرفته باشد. ماجرای وسیع حضور همه و هیچ‌کس در جامعه ایران نشان می‌دهد که هیچ‌کس نتوانسته در جامعه ایرانی حاکم مطلق باشد. تجربه دهه‌های اخیر نیز نشان می‌دهد که دولت‌ها که سر کار آمده‌اند به دنبال این بوده‌اند که همه چیز را تغییر بدهند. این در حالی است که در عمل کاری نتوانسته‌اند انجام بدهند. همین موضوع نیز مشکل جامعه ایرانی است که من از تعبیر بلاتکلیف گذاشتن جامعه در این زمینه استفاده می‌کنم. چالش‌هایی که امروز جامعه ایرانی با آن مواجه است را به دلیل آن چیزی است که بتواند تکلیف جامعه ایرانی را مشخص کند. به همین دلیل نیز ما در بیشتر مواقع به کسانی تن داده‌ایم که با شعارهای تند به دنبال تغییر همه چیز بوده که در عمل نیز موفق نبوده است.

**اینکه در جامعه ایران همه هستند اما هیچ‌کس نیست ریشه تاریخی دارد؟ آیا این وضعیت در جوامع دیگر نیز وجود دارد؟**

بقیه تمدن‌ها شرایط ایران را نداشته‌اند. ایران به دلیل ساخت تمدنی و فرهنگی که تمدن ساز و تاریخ ساز بوده و به دلیل نوع استقرار ژئوپلیتیکی و جغرافیایی که در آن قرار داشته در چنین وضعیتی قرار گرفته که کانون منازعات بوده است. اغلب گروه‌هایی که وارد ایران شده‌اند توسط جامعه ایرانی انتخاب نشده‌اند و بی‌انتخاب وارد ایران شده‌اند. به همین دلیل نیز مناسبات را به هم زده‌اند. در نتیجه جامعه ایران یک جامعه یونیک است که هیچ نظام اجتماعی و سیاسی در جهان چنین وضعیتی نداشته است. با این وجود جامعه دارای قوت‌هایی بوده که به فروپاشی نینجامیده است. به عنوان مثال با حمله اسکندر و اعراب به ایران جامعه ایران فرو نمی‌پاشد. در ماجرای حمله مغول‌ها به ایران نیز وضعیت به همین شکل است. جامعه ایران دارای سرمایه‌های بزرگ پنهان است که بی‌اعتنایی به این سرمایه‌های بزرگ است که برای جامعه چالش ایجاد می‌کند. اگر از این سرمایه‌های پنهان اجتماعی استفاده شود موضوعات پیش یافتاده‌ای مانند مسأله ترافیک و یا گرانی مرغ تخم و مرغ محلی از اعراب نخواهد داشت. پیدا کردن راه حل برای گرانی مرغ و تخم مرغ مسائل ساده‌ای در کشوری است که دارای سرمایه‌های بزرگ اجتماعی و فرهنگی است. در چنین شرایطی ما به مدیریتی قدرتمندتر نیاز داریم که از این سرمایه‌های اجتماعی استفاده کنند و در راستای تکرر و گوناگونی جامعه باشد.

**همه حکومت‌های تاریخ معاصر مدعی بودند که حکومت‌های قدرتمندی هستند. چرا این حکومت‌ها**



## نگره

اسنادی که در ۱۱ سفر دیپلماتیک رئیس‌ی به امضا رسید

## از عضویت در شانگهای

## تاسفر به چین

سیاست خارجی هر کشور در تداوم سیاست داخلی آن کشور معنا و مفهوم می‌یابد و در این رهگذر آیتا... سیدابراهیم رئیس‌ی رئیس‌جمهور هم اولویت خود را با تمرکز بر سیاست داخلی و نگاه از درون به برون اعلام کرد. دولت سیزدهم در سطوح مختلف و با رویکرد همسایه‌محوری و اولویت‌های منطقه‌ای در روابط اقتصادی با به عرصه سیاسی کشور گذاشت و با تمرکز بر چندجانبه‌گرایی اقتصادی و با نگاه به آسیا و تعامل با کشورهای این منطقه آن را در اولویت نخست عرصه سیاست خارجی قرار داد. سفر به ۱۱ کشور از همسایگان دور و نزدیک در ۲۱ ماه اخیر به گفته رئیس‌جمهور سطح تعامل ایران با کشورهای منطقه را تا چند برابر افزایش داده که این همان رویکرد تداوم سیاست همسایگی و منطقه‌ای است.

## سفرهای خارجی در ۱۴۰۰

حضور در بیست و یکمین دوره اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در ۲۶ شهریور ماه ۱۴۰۰ در واقع نخستین سفر رئیس‌جمهور در بدو شروع دولت سیزدهم بود که با حضور سران ۱۲ کشور عضو ناظر در شهر دوشنبه برگزار شد و رئیس‌ان جمهوری روسیه، چین، هند و مغولستان هم به شکل مجازی در این نشست حضور داشتند که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این سفر امضا هشت سند همکاری بین تهران و دوشنبه بود. البته نخستین دستاورد این سفر هم موافقت با عضویت دائمی ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای بود. در حاشیه اجلاس سران سازمان همکاری اقتصادی (اگو) در آذرماه همان سال، «قرارداد سه جانبه سوآپ گاز» از ترکمنستان به جمهوری آذربایجان از خاک جمهوری اسلامی ایران با حضور رئیس‌ی و الهام علی‌اف، روسای جمهوری ایران و آذربایجان در عشق‌آباد به امضا رسید. در همین راستا رئیس‌جمهور ۲۹ دی ۱۴۰۰ با هدف دیدار همتای روس خود تهران را به مقصد مسکو ترک کرده سفری که در رسانه‌های جهانی بازتاب متعددی داشت و رئیس‌ی در دیدار با پوتین گفته بود هیچ محدودیتی برای توسعه روابط با روسیه نداریم و روابط ممتاز تهران - مسکو در تراز مناسبات راهبردی است و ارتقای این خواهد یافت. رئیس‌جمهور در چهارمین سفر خارجی خود در هفت ماه نخست فعالیت دولت سیزدهم، دوم اسفندماه برای حضور در ششمین اجلاس سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز به دوحه سفر کرده بوده سفری که بعد از ۱۱ سال در قامت ریاست جمهوری اسلامی ایران به نظر انجام می‌گرفت و امیر قطر در اقدامی معنادار، شخصاً در فرودگاه حاضر شد و به استقبال رئیس‌جمهور ایران رفت؛ این اقدام از اهمیت ویژه به مهمان حکایت می‌کند. ترکمنستان دومین سفر خارجی آقای رئیس‌ی در ۱۴۰۱ و ششمین مقصد خارجی وی تاکنون بود. در این سفر مقامات جمهوری اسلامی ایران و قطر در حضور آیت‌ا... رئیس‌ی و امیر قطر، ۱۴ سند همکاری امضا کردند.

## از نیویورک تا پکن

عمان نخستین سفر خارجی رئیس‌جمهور در ۱۴۰۱ و نخستین سفر رئیس‌جمهور به این کشور در دوره سلطان جدید در دوم خرداد ماه سال گذشته بود که در این سفر ۱۲ سند همکاری میان تهران و مسقط در حوزه‌های سیاسی، روابط اقتصادی و تجاری، انرژی، حمل و نقل، علمی، محیط زیست، ورزشی و همکاری‌های دیپلماتیک به امضا رسید. دومین سفر در سال ۱۴۰۱ و به عبارتی ششمین سفر رئیس‌جمهور از ابتدای ۸ تیرماه به ترکمنستان بود. ترکمنستان هفتمین مقصد خارجی رئیس‌جمهور و سومین سفر خارجی وی بود. سفری که در آن اعلام رسمی عضویت کامل ایران در سازمان شانگهای توسط رئیس‌جمهور آذربایجان و اعضای شانگهای برای اجرای کامل برجام و امضای ۱۷ سند همکاری از مهم‌ترین دستاوردهای سفر بود. نیویورک هفتمین سفر خارجی رئیس‌ی بود که طی آن به مجمع عمومی سازمان ملل رفت. برگزاری ۱۳ دیدار دیپلماتیک در سطح سران و نخست‌وزیران رهاورد نخستین حضور رئیس‌ی در هند بود. هفتاد و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود که این مجمع از دیدارها حتی رکورد دیدارهای جانبی در اجلاس سازمان همکاری شانگهای در مسقط را نیز شکست. سفر مهم رئیس‌ی و عبارتی پنجمین سفر در ۱۴۰۱ به قزاقستان بود که رئیس‌جمهور در ششمین نشست سران کشورهای عضو کنفرانس تعامل و اقدامات اعتمادساز در آسیا (سیکا) حاضر شد که این نشست از نظر تجاری و هم سیاسی دستاوردهایی به همراه داشت. البته پرونده سفرهای خارجی رئیس‌جمهور در ۱۴۰۱ با سفر به چین در ۲۴ بهمن ماه بسته شد که این دهمین سفر خارجی وی در دولت سیزدهم و ششمین سفر در ۱۴۰۱ بود. سفری سه روزه که با هدف اقتصادی، سیاسی و راهبردی و در راستای ارتقای روابط چند جانبه در حوزه‌های تجارت، حمل و نقل، انرژی، بین‌تهران - پکن شکل گرفت.

## سفرهای جدید

رئیس‌جمهور در یازدهمین سفر خارجی و نخستین سفر در سال جاری ۱۳ اردیبهشت و ۱۳ سال پس از بحران و جنگ در سوریه، به عنوان بالاترین مقام اجرایی جمهوری اسلامی ایران در صدر هیاتی بلندپایه به دمشق سفر کرد. سفری راهبردی که دستاوردهای متنوعی در حوزه سیاسی و امنیتی و اقتصادی و تجاری داشت و البته انرژی هم در همکاری‌های هرچه بیشتر برای تقویت ثبات و مقاومت در منطقه.

## به تعبیر صادق هدایت

## ایران سرزمینی در گذر حوادث

بوده است و به همین دلیل از جامعه

کاروانسرای درباره ایران یاد می‌کند

و معتقد است وضعیت ایران از نظر تاریخی

مانند کاروانسرای بوده که هر کسی در آن

رفت و آمد کرده است. این سخن مهمی

است که ایران از دوران گذشته تا نزدیک به

دوران معاصر با یک وضعیت کاروانسرای

مواجهه کرده است. جامعه کاروانسرای

به معنای محلی برای اسکان

موقت همه است.

نتوانستند از سرمایه‌های بزرگ و پنهان جامعه ایران استفاده کنند؟

توهم قدرت با قدرتمند بودن تفاوت دارد. فعال کردن سرمایه‌های اجتماعی ایران با قلدری رضا خان به وجود نمی‌آید. با آرمان خواهی و شعار نیز نمی‌توان این سرمایه اجتماعی را فعال کرد. برخی مدیران صدای خود را بلند می‌کنند. این در حالی است که با صدای بلند سرمایه اجتماعی به صحنه نمی‌آید و فعال نمی‌شود. برخی نخبان و روشنفکران خانه‌نشین شده‌اند. این در حالی است که سکوت آنها از شرافت آنهاست. اینکه این رویه را اتخاذ کرده‌اند ریشه در فرهنگ ایرانی و فرهنگ شیعی دارد. فرهنگ شیعی فرهنگ شیعی فرهنگ غیر رادیکال و غیر ته‌اجمی است. مردم ایران طالب خشونت نیستند. مدیران ما در طول تاریخ پهلوان پنبه بوده‌اند. به عنوان مثال حکومت رضا خان با یک اتفاق ساده فرو می‌ریزد. نمونه بارز آن همین اعتراضات اخیر در کشور است. با اعتراض چند دختر و پسر جوان که نباید همه چیز را تعطیل کرد. فضای مجازی بسته شده به معنای چیست؟ اگر مدیری به دنبال حل مشکلات کشور باشد که مدام حرف نمی‌زند و اجازه می‌دهد نظام کارشناسی تعیین کننده باشد.

**زیست در چنین وضعیتی دارای چه ویژگی‌ها و پیامدهایی است؟**

هنگامی که جامعه در این وضعیت زیست می‌کند شکاف‌های اجتماعی فعال می‌شود و در چنین شرایطی ممکن است هر کسی برنده بازی شود. مردم ایران نمی‌توانند با پهلوان پنبه‌ها که توانایی کافی برای مدیریت کشور ندارد بچنگند. اگر به زندگی روزمره مردم ایران در کوچه و بازار دقت کنیم متوجه می‌شویم که با هم در حال جنگیدن هستند. مردم ایران سازگارترین مردم جهان هستند اما در یک مرحله به انکار می‌رسند. انکار زمانی رخ می‌دهد که یک حادثه بزرگ رخ بدهد. من فکر می‌کنم جامعه ایران در حال نزدیک شدن به مرحله انکار است. به عنوان مثال کسی در جامعه ایران به معنای واقعی قانون را رعایت نمی‌کنند. حتی برخی مدیران نیز قانون را رعایت نمی‌کنند. این نیروها تنها به دنبال حذف رقیب هستند. مثال دیگری بی‌توجهی به نظام کارشناسی در تصمیم‌گیری‌های بزرگ است. در اغلب موارد در خلوت تصمیم می‌گیرند و در خلوت اجرا می‌کنند و تازه فضای مجازی کشف می‌کند که اتفاقی در کشور رخ داده است. در انقلاب مشروطه و انقلاب ۵۷ بخشی از جامعه میان دار بودند و جامعه با اعتماد به آنها حرکت خود را سامان می‌داد.